

بررسی تأثیر مدارس تیزهوشان بر آینده تحصیلی دانش آموزان

سیده الناز مستشیری^۱، ندا مستشیری^۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر مدارس تیزهوشان بر آینده تحصیلی دانش آموزان می باشد، ابزار جمع آوری اطلاعات، مشاهده کتابخانه‌ای مدارک موجود و در دسترس بوده و جامعه آماری مورد مطالعه ۴۰۹ نفر بوده است؛ که از هر دو گروه دانش آموزان عادی و تیزهوش به روش نمونه‌گیری تصادفی و در دسترس تعداد ۱۹۷ نمونه انتخاب گردیده است و برای پاسخ به سؤال اول از روش توصیفی استفاده شده است. در پاسخ به سوا لات فرعی دوم و سوم و چهارم از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که امکان ادامه تحصیل دانش آموزان تیزهوش در کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانش آموزانی که در مدارس عادی درس خوانده بودند درصد بیشتری قبولی داشته‌اند. همچنین تفاوت معنی داری در معدل این دو گروه دانش آموز وجود ندارد. در مدارس دخترانه و پسرانه هم به صورت جداگانه مدارس دانش آموزان تیزهوشان دارای معدل برابر با دانش آموزان مدارس عادی هستند. در نتیجه تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش آموزان تفاوت معنی داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند. این مسئله ایجاب می‌کند تا بیشتر به مسئله بررسی عوامل قوت و ضعف در پرورش مؤثر دانش آموزان در مدارس تیزهوشان جهت موفقیت بر آینده تحصیلی آنان بپردازند.

کلیدواژه ها: مدارس، تیزهوشان، آینده دانش آموزان.

^۱ کارشناس ارشد علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، مدرس دانشگاه پیام نور، آموزگار مدرسه غیردولتی، مدیر عامل شرکت کهکشان یادگیری در پارک علم و فناوری. m5mostashiri@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، کارمند دانشگاه سمنان.

مقدمه

سیلورمن^۱ معتقد است، کودکانی که جزء سه در صد بالای جمعیت هستند، الگوهای تحولی ویژه‌ای دارند و به همین دلیل نیازمند آموزش ویژه و متفاوت باهم سالان عادی خود هستند. در واقع کودکانی که جزء سه درصد بالای جمعیت هستند را دانش آموزان تیزهوش^۲ می‌نامند. این دانش آموزان دارای هوش بهر بسیار بالا (بیشتر از ۱۳۰) هستند و اغلب از توانایی‌ها یا استعداد‌های ویژه‌ای برخوردارند (سیلورمن، ۲۰۰۷).

سیدنی مارلند^۳ دانش آموزان تیزهوش و بااستعداد را کسانی می‌داند که طبق تشخیص افراد باصلاحیت، به دلیل توانایی‌های برجسته‌ای که دارند عملکرد عالی از خود نشان می‌دهند. این دانش آموزان به برنامه‌ها و خدمات آموزشی ویژه‌ای نیاز دارند. (که این خدمات در مدارس عادی داده نمی‌شوند). این دانش آموزان در زمینه^۴ (یک یا چند زمینه) استعداد تحصیلی عمومی، استعداد تحصیلی ویژه، تفکر خلاق، توانایی رهبری، هنرهای دیداری و نمایشی و توانایی روانی-حرکتی پیشرفت چشمگیر یا توانایی بالقوه دارند (هوارد^۴، ۲۰۰۸).

هر جامعه‌ای که به بقا و پیشرفت خود می‌اندیشد، استعداد‌های درخشان خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. به‌طور کلی سال‌هاست که یک حرکت جهانی شروع شده و به سمت توجه ویژه، به نخبگان و تیزهوشان جهت‌گیری کرده است (ریو، میرو، بوناسیو^۵، ۲۰۰۶).

دغدغه والدین برای قبولی دانش آموزان در آزمون تیزهوشان و ورود فرزندان‌شان به این مدارس بیانگر ضرورت بررسی این است که آیا مدارس تیزهوشان تأثیری بر آینده تحصیلی دانش آموزان دارد.

¹ Silverman

² gifted students

³ Sydney MarInd

⁴ Heward

⁵ Reeve, Meyer & Bonaccio

ادبیات و پیشینه تحقیق

عوامل مؤثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی بسیار گسترده و وسیع است. شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی‌ها در سیستم آموزشی مهم است (رامسدن^۱، ۱۹۹۲، به نقل از خرمایی، ۱۳۸۵).

هوش یک صفت فرضی و یک مفهوم انتزاعی است پس آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد آثار هوش است نه خود هوش. هوش یک استعداد نیست بلکه مجموعه‌ای از استعدادهاست. حافظه، دقت، یادگیری، ادراک، ... در آن تأثیر دارد و این وضعیت از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند (ریم^۲، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

تیزهوشان و افراد بااستعداد، کسانی هستند که نشانه‌هایی از قابلیت بالای عملکرد در برخی از حوزه‌ها از جمله هوش، خلاقیت، هنرمندی، رهبری و زمینه‌های تحصیلی ویژه را نشان می‌دهند (پیروتو^۳، ۱۹۹۹، به نقل از آقاجانی، نریمانی و آریان پور، ۱۳۹۰). تیزهوشی یعنی برتری شناختی، هوشی و خلاقیت که فرد را از همسالان خود متمایز می‌کند (جوادیان، ۱۳۸۰).

کودکان تیزهوش، رشد بدنی بهتری نسبت به همسالان خود دارند. این گروه از نظر قد، بلندتر و از نظر وزن، سنگین‌تر از حد متوسط هستند. آنان کمتر بیمار می‌شوند و از زیبایی و جذابیت بیشتری برخوردارند. (احمدوند، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰). بنابر مطالعات ترمن، کودکان تیزهوش تحت مطالعه وی تا میان‌سالی، همچنان ویژگی‌های جسمانی برتر خودشان را حفظ کرده‌اند، اما این برتری در هنگام تولد یا نخستین سال بعد از تولد، قابل ردگیری نیست (شریفی درآمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۴).

واقعیت این است که هیچ ویژگی خاصی به‌تنهایی نمی‌تواند دال بر هوش خارق‌العاده باشد. بلکه ترکیب ظریفی از چندین ویژگی کلیدی است که تجمع آن‌ها با یک شدت معین یا

¹ Ramsdan

² Rimm

³ Piirto

با قدرت انتشار استثنایی است که باید جستجو شود. کارشناسان این رشته نسبت به چنین ترکیباتی حساسیت دارند، اما حتی آن‌ها هم نمی‌توانند چنین ترکیباتی را به‌عنوان راه‌های مطمئن، برای شناسایی تیزهوشی ارتقاء دهند. آن‌ها هنوز مجبورند برای اثبات مشاهداتشان به یافته‌های واقع‌بینانه‌تر تست‌های استاندارد، توسل جویند (ویرجینیا^۱، ۱۳۷۱، ص ۴۳).

یعنی برتری کودک در یکی دو زمینه را به معنی تیزهوشی نمی‌دانند و معتقدند تیزهوش، کسی است که تقریباً از نظر تمام جنبه‌های پیشرفت و نیز کسب مهارت‌ها از سن خود جلوتر است؛ چنین کودکی از هر لحاظ پیشرفته‌تر از کودکان دیگر است (میرپام^۲، ۱۳۸۲).

جامعه، باید توانایی‌ها و استعدادها بالقوه کودکان را شناسایی کرده و شرایطی به وجود آورد که تحت راهنمایی، هدایت و ارشاد معلمان و مسئولان ذی‌ربط تا جایی که ممکن است، استعدادها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های همه کودکان در کمترین مدت و بیشترین مقدار که مناسب حال «فرد فرد کودکان باشد، پرورش داده شوند. بر این اساس، کودکان تیزهوش هم در زمره بچه‌های دیگر قرار می‌گیرند و باید مناسب حال خودشان به آن‌ها توجه شود. مطمئناً برنامه مناسب حال آنان، چیزی برتر از برنامه‌هایی است که دانش‌آموزان دیگر نیاز دارند (عباس زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۲).

به نظر می‌رسد دیگر صرف تبحر در تکالیف مدرسه‌ای ملاک قضاوت نیست. آنچه در مورد کارکرد مغز، حافظه انسانی، تفاوت بین آموختن برای عملکرد و آموختن باهدف معاش زندگی روزمره آموخته‌ایم، قانع‌کننده نیستند، زیرا عوامل اجتماعی و هیجانی نیز در این عرصه نسبت به حل مسائل و مشکلات فنی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (کیاروچی و همکاران^۳، ۱۳۸۵).

بکر اعتقاد دارد که تیزهوشان به دلیل توانایی‌های شناختی، فهم عمیق‌تری نسبت به خود و دیگران داشته و بهتر می‌توانند با فشارها و تعارضات روان‌شناختی سازگار شوند. (خیر و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۰) از طرف دیگر برخی معتقدند که افراد تیزهوش در مقایسه با افراد عادی خصوصاً در سنین نوجوانی و بزرگسالی احتمالاً دارای مشکلات عاطفی و روان‌شناختی بیشتری می‌باشند، زیرا این افراد به دلیل توانایی‌های شناختی خود نسبت به

¹ Virginia

² Stoppard

³ Ciarrochi et al

تعارضات بین فردی حساس تر بوده و احساس از خودبیگانگی و فشار روانی بیشتری را تجربه می‌کنند (بیکر^۱، ۱۹۹۵، ۲۱۹).

در یک بررسی دیگر که توسط چلبیانلو و حسنی به منظور بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان استعداد‌های درخشان و عادی صورت گرفت. نتایج نشان داد که دانشجویان فارغ‌التحصیل مدارس استعداد‌های درخشان از نظر اضطراب، کفایت، انعطاف‌پذیری، زیباپسندی، قاطعیت، فعالیت، تلاش برای موفقیت و هیجان‌های مثبت به طور معناداری دارای نمرات بالاتری از دانشجویان برآمده از مدارس عادی هستند. به علاوه دانشجویان گروه اول در صفات رک‌گویی، وظیفه‌شناسی، کم‌رویی، تواضع و آسیب‌پذیری از استرس به طور معناداری نمرات پایین‌تری از دانشجویان گروه دوم داشتند. همچنین مقایسه نمرات شاخص‌های این آزمون شخصیتی نشان داد که دانشجویان گروه اول به طور معناداری برون‌گراتر از دانشجویان گروه دوم بوده‌اند (چلبیانلو، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

مقایسه دانش آموزان مدارس تیزهوشان و عادی شهر شیراز از نظر ابعاد کمال‌گرایی بود. نتایج نشان داد، دانش آموزان مدارس تیزهوشان در ابعاد هدفمندی و نظم و سازمان‌دهی نمرات کمتری نسبت به دانش آموزان مدارس عادی کسب کردند. همچنین تأثیر تعاملی جنس و نوع مدرسه (تیزهوشان و عادی) بر بعد تلاش برای عالی بودن نیز معنی‌دار بود. به عبارت دیگر دختران مشغول به تحصیل در مدارس تیزهوشان در مقایسه با سایرین در بعد تلاش برای عالی بودن نمره کمتری دریافت کردند. در پرتو ادبیات موجود نتایج مورد بحث و بررسی گرفتند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

زیدنر و شلایر^۲ (۱۹۹۹)، در پژوهشی به منظور ارزیابی اثرات دو برنامه‌ی آموزشی کلاس‌های ویژه و کلاس‌های عادی برای دانش آموزان تیزهوش، ۱۰۲۰ نفر از دانش آموزان تیزهوش پایه‌های تحصیلی چهارم تا ششم ابتدایی را مورد مطالعه قرار دادند و مفهوم خود پنداره تحصیلی، اضطراب، انگیزه‌ی پیشرفت، ادراک تیزهوشی، نگرش مثبت به مدرسه و رضایت از مدرسه را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که دانش آموزان تیزهوش شاغل به تحصیل در کلاس‌های عادی همراه با دانش آموزان غیر تیزهوش، مفهوم خود پنداره تحصیلی بهتر، اضطراب کمتر و احساس رضایت از مدرسه بالاتری داشتند.

¹ Baker

² Zindner & Schleyer

با توجه به اینکه در کشور ما تبلیغات فراوانی پیرامون کتب و مدارس خاص برای قبولی و راهیابی دانش آموزان به مدارس تیزهوشان وجود دارد، در این مقاله سعی بر این است که بررسی شود با توجه به زبانی که آموزش ویژه تیزهوشان دارد و گروهی از دانشمندان از جمله کالاگر به آن اشاره دارند، آیا دسته دانش آموزانی که این آموزش‌ها را می‌بینند از آینده تحصیلی بهتری برخوردارند؟

با توجه به مباحثی که مطرح شد، سؤال‌های اصلی این پژوهش به صورت زیر تنظیم شده است:

۱- آیا دانش آموزان فارغ‌التحصیل از مدارس تیزهوشان امکان بیشتری برای ادامه تحصیل دارند؟

۲- آیا معدل نمرات دانش جویانی که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش آموزان عادی تفاوت معناداری دارد؟

۳- آیا معدل نمرات دانش جویان دختر که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش جویان دختر که در مدارس عادی درس خوانده بودند تفاوت معناداری دارد؟

۴- آیا معدل نمرات دانش جویان پسر که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش جویان پسر که در مدارس عادی درس خوانده بودند تفاوت معناداری دارد؟

روش تحقیق

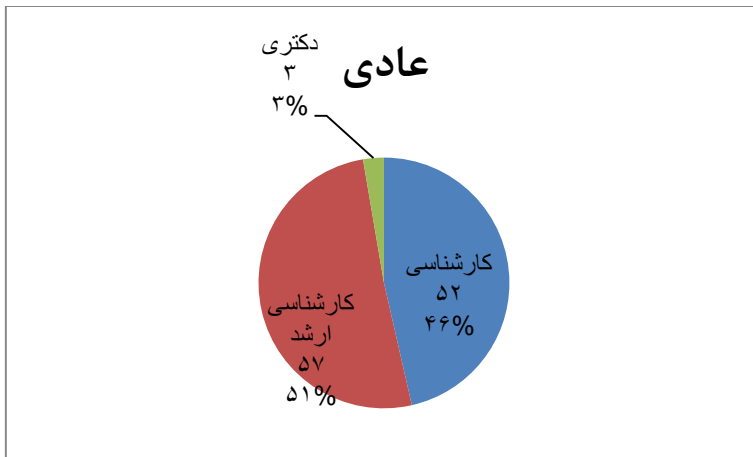
ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده کتابخانه‌ای مدارک موجود و در دسترس بوده و از هر دو گروه دانش آموزان عادی و تیزهوش به روش نمونه‌گیری در دسترس و تصادفی نمونه‌هایی انتخاب گردیده است. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری انتخابی ۴۰۹ نفر از فارغ‌التحصیلان در دسترس می‌باشند نمونه آماری با استناد به جدول جرسی مورگان ۱۹۷ نفر تعیین گردید؛ و برای پاسخ به سؤال اول از روش توصیفی و نرم‌افزار Excel کمک گرفته شده است. و در پاسخ به سوالات فرعی دوم و سوم و چهارم از آزمون t مستقل و نرم افزار spss کمک گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

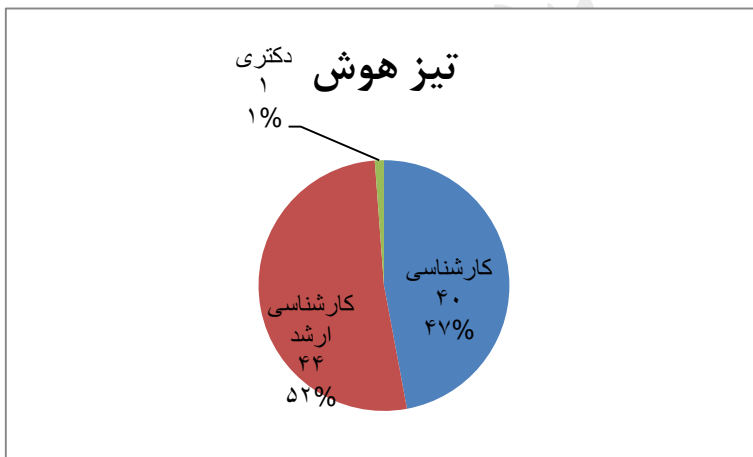
سؤال ۱: آیا دانش آموزان فارغ‌التحصیل از مدارس تیزهوشان امکان بیشتری برای ادامه تحصیل دارند؟ برای پاسخ به این سؤال از آمار توصیفی و رسم نمودار در Excel استفاده شده است. نمودار شماره یک نشان می‌دهد چند درصد از دانشجویانی که در مدارس عادی درس خوانده‌اند موفق به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر شده‌اند و جدول شماره دو نشان می‌دهد چند درصد از دانشجویانی که در مدارس تیزهوشان تحصیل نموده‌اند موفق به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود دانش‌آموزانی که در مدارس عادی درس خوانده بودند ۴۶٪ در کارشناسی و ۵۱٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۳٪ در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل شده‌اند اما دانش‌آموزانی که در مدارس تیزهوشان تحصیل نمودند ۴۷٪ از مقطع کارشناسی و ۵۲٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۱٪ در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل گردیده‌اند که این اختلاف یک‌درصدی ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر چشمگیر نیست اما می‌توان حداقل به این نکته اشاره کرد که تحصیل در مدارس تیزهوشان باعث بالاتر رفتن درصد فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری نگردیده است.

جدول شماره ۱- فارغ‌التحصیلان مدارس عادی و تیزهوشان در دانشگاه‌ها

تعداد کل	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	
۱۱۲	۵۲	۵۷	۳	عادی
۸۵	۴۰	۴۴	۱	تیزهوش



شکل شماره ۱ - نمودار فارغ‌التحصیلان مدارس عادی در دانشگاه‌ها



شکل شماره ۲ - نمودار فارغ‌التحصیلان مدارس تیزهوشان در دانشگاه‌ها

سؤال ۲: آیا معدل نمرات دانش جویانی که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش جویانی که در مدارس عادی درس خوانده بودند تفاوت معناداری دارد؟

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود t مشاهده شده یعنی $۰,۴$ از t بحرانی (جدول) که مساوی $۱,۶۴$ می‌باشد کوچک‌تر است، لذا در سطح معناداری $۰,۰۵$ فرضیه ما مایید نمی‌شود یعنی آزمون رد فرض صفر را ندارد و $۰,۴$ در این سطح معناداری تنها خطای آزمایش

است لذا میانگین معدل نمرات دانشجویانی که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند، برابر معدل دانشجویانی که در مدارس عادی درس خوانده‌اند، می‌باشد.

جدول شماره ۲- میانگین معدل دانشجویان در مدارس تیزهوشان و عادی

نمونه	تعداد (N)	انحراف معیار (SD)	درجه آزادی (d.f)	t (م)	t (ب)
عادی	۱۱۲	۱۱,۱۳	۱۹۵	۰,۴	۱,۶۴
تیزهوش	۸۵	۱۱,۷۹			

سؤال ۳: آیا معدل نمرات دانشجویان دختر که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش‌جویان دختر که در مدارس عادی درس خوانده بودند تفاوت معناداری دارد؟ نتایج نشان می‌دهد شود t مشاهده شده یعنی $۰,۱$ کوچک‌تر از t بحرانی جدول با درجه آزادی ۱۱۰ و در سطح معنی‌داری $۰,۰۵$ می‌باشد. لذا فرض عدم تفاوت گروه‌ها را نمی‌توان رد کرد؛ یعنی تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش‌آموزان دختر تفاوت معنی‌داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند.

جدول شماره ۳- میانگین معدل دانشجویان دختر در مدارس تیزهوشان و عادی

نمونه	تعداد (N)	انحراف معیار (SD)	درجه آزادی (d.f)	t (م)	t (ب)
عادی	۵۹	۱۰,۶۱	۱۱۰	۰,۱	۱,۶۵
تیزهوش	۳۷	۱۲,۹۸			

سؤال ۴: آیا معدل نمرات دانش‌جویان پسری که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند در مقایسه با دانش‌جویان پسری که در مدارس عادی درس خوانده بودند تفاوت معناداری دارد؟ پس از آزمون t مستقل t مشاهده شده یعنی $۰,۸۳$ از t بحرانی با درجه آزادی ۸۳ در سطح معناداری $۰,۰۵$ کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین گروه‌ها را نمی‌توان رد کرد؛ یعنی تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش‌آموزان پسر تفاوت معنی‌داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند.

جدول شماره ۴- میانگین معدل دانشجویان پسر در مدارس تیزهوشان و عادی

نمونه	تعداد (N)	انحراف معیار (SD)	درجه آزادی (d.f)	t (م)	t (ب)
عادی	۵۳	۱۱,۷۸	۸۳	۰,۸۳	۱,۶۶
تیزهوش	۴۸	۱۰,۴۹			

نتیجه‌گیری

دانش‌آموزانی که در مدارس عادی درس خوانده بودند ۴۶٪ در کارشناسی و ۵۱٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۳٪ در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل شده‌اند اما دانش‌آموزانی که در مدارس تیزهوشان تحصیل نمودند ۴۷٪ از مقطع کارشناسی و ۵۲٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۱٪ در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل گردیده‌اند گرچه اختلاف یک‌درصدی ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر چشمگیر نیست اما می‌توان حداقل به این نکته اشاره کرد که تحصیل در مدارس تیزهوشان باعث بالاتر رفتن درصد فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری نگردیده است.

از یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که امکان ادامه تحصیل کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانش‌آموزانی که در مدارس عادی درس خوانده بودند درصد بیشتری قبولی داشته‌اند. همچنین میانگین معدل نمرات دانشجویانی که در مدارس تیزهوشان درس خوانده بودند، برابر معدل دانشجویانی که در مدارس عادی درس خوانده‌اند، می‌باشد؛ بنابراین تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش‌آموزان پسر تفاوت معنی‌داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند. معدل دانش‌آموزان تیزهوشان دارای معدل برابر با دانش‌آموزان مدارس عادی بود؛ و در کل می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش‌آموزان پسر تفاوت معنی‌داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند.

نتایج حاصل از پژوهش با پژوهشی که جمشیدی و همکارانش (۱۳۸۸) انجام داده بودند و به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان در ابعاد هدفمندی و نظم و سازمان‌دهی نمرات کمتری نسبت به دانش‌آموزان مدارس عادی کسب کردند. همچنین تأثیر تعاملی جنس و نوع مدرسه (تیزهوشان و عادی) بر بعد تلاش

برای عالی بودن نیز معنی‌دار بود. به عبارت دیگر دختران مشغول به تحصیل در مدارس تیزهوشان در مقایسه با سایرین در بعد تلاش برای عالی بودن نمره کمتری دریافت کردند. هم‌راستا می‌باشد.

در بیان اهمیت و نقش محیط‌های آموزشی برای دانش‌آموزان باهوش و تیزهوش نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی از روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت به ضرورت حضور این گونه دانش‌آموزان در محیط‌های همگن معتقدند و برخی به افزایش بازدهی و عملکرد تحصیلی در محیط‌های با توانایی‌های گوناگون و ناهمگن تأکید می‌کنند (نیهارت^۱، ۲۰۰۷).

از آنجایی که در بررسی‌های این پژوهش مشخص شد تحصیل در مدارس تیزهوشان و عادی دانش‌آموزان پسر تفاوت معنی‌داری در معدل دانشجویی آنان ایجاد نمی‌کند. که این نتیجه با نتیجه حاصل از پژوهش زیئنر و شلایر (۱۹۹۹) و جمشیدی و همکارانش (۱۳۸۸) هم‌راستا قرار دارد؛ بنابراین این مسئله ایجاب می‌کند تا بیشتر به مسئله بررسی عوامل قوت و ضعف در پرورش مؤثر دانش‌آموزان در مدارس تیزهوشان جهت موفقیت بر آینده تحصیلی آنان بپردازند.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد دیگر محققان به بررسی عوامل قوت و ضعف در پرورش مؤثر دانش‌آموزان در مدارس تیزهوشان جهت موفقیت بر آینده تحصیلی آنان بپردازند، همچنین پیشنهاد می‌گردد این آزمون‌ها در جامعه‌ای با نمونه متفاوت و در شهرهای دیگر انجام پذیرد.

منابع و مأخذ:

- آقاجانی، سیفالله؛ نریمانی، محمد؛ آریاپوران، سعید. (۱۳۹۰). مقایسه کمال‌گرایی و تحمل ابهام در دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی. فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی.

¹ Neihart

- جمشیدی، بهنام؛ دلاورپور، محمدآقا؛ حقیقت، شهربانو؛ لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۸). مقایسه دانش آموزان مدارس تیزهوشان و عادی از نظر ابعاد کمال‌گرایی، مجله روانشناسی، بهار ۱۳۸۸ دوره ۱۳، شماره یک.
- جوادیان، مجتبی. (۱۳۸۰). کودکان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزش استثنایی. ترجمه: کتاب کودکان استثنایی هالاهان و کافمن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- چلبیانلو، غریب. (۱۳۸۱). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان استعداد‌های درخشان و عادی بر اساس نظریه پنج عاملی. خلاصه مقالات اولین همایش ملی استعداد‌های درخشان.
- خرمایی، فرهاد. (۱۳۸۵). بررسی مدل علی ویژگی‌های شخصیتی، جهت‌گیری‌های انگیزشی و سبک‌های شناختی یادگیری رساله‌ی دکتری، دانشگاه شیراز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- خیر، مهدی؛ شیخ‌الاسلامی، رها. (۱۳۸۱). مقایسه ابعاد سلامت عمومی در بین دانش‌آموزان مراکز آموزشی تیزهوشان و عادی. خلاصه مقالات اولین همایش ملی استعداد‌های درخشان.
- ریم، سیلویا بی. (۱۳۹۲). کلیدهای پرورش کودک تیزهوش، ترجمه: ناهید آزادمنش. نشر صابرین. چاپ ششم.
- شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی کودکان استثنایی. تهران، روان‌سنجی. جلد اول، ص ۹۴.
- عباس زاده، سید. (۱۳۷۲). آشنایی با تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش. جهاد دانشگاهی.
- کیاروچی و همکاران. (۱۳۸۵). کندوکاو علمی، ترجمه: دکتر جعفر زند. نشر: تهران: سخن.
- میریام، استاپرد. (۱۳۸۲). همه کودکان تیزهوش‌اند اگر ...، ترجمه: سهراب سوری و امیر صادقی بابلان، نشر دانش ایران.

- ویرجینیا ز. اریچ. (۱۳۷۱). آموزش کودکان تیزهوش. ترجمه: اکرم کلانکی. تهران، الهدی، ص ۴۳.

- Baker JA. (1995). Depression and suicidal ideation among academically gifted adolescents. *Gifted Child Quarterly*. 39: 218-223.
- Silverman L.(2008). What we have learned about gifted children 1979-2007. Retrieved on January. From http://www.gifteddevelopment.com/PDF_files/learned.pdf.
- Heward WL.(2008). *Exceptional Children: An Introduction to Special Education*. 9th edition: New York:Pearson; 2008. p: 656.
- Neihart, M. (2007). The socioaffective impact of acceleration and recommendations for best practice, *Gifted Child Quarterly*, 51, 33-41
- .Reeve, Ch. Meyer, R. & Bonaccio, S. (2006). Intelligence–personality associations reconsidered: The importance of distinguishing between general and narrow dimensions of intelligence. *Intelligence*, 34(4), 387-402.
- .Zindner, M. & Schleyer, E.J. (1999). Educational setting and the psychological adjustment of gifted students. *Studies Educational Evaluation*, 25, 33-46.
- Johnson,W. &Krueger,R.F.(2006).How money buys happiness:genetic and environmental processes linking finances and life satisfaction.*Journal of Personality and social psychology*, 10,680-691.
- Laughlin, J. E. & Huebner, E. S. (2001). Life experience, locus of control and school satisfaction in adolescence, *Social Indicators Research*, 55, 156-183.
- Lyubomirsky, S. King, L. & Diener, E. (2005). The benefits of frequent positive affect: Dose happiness lead to success? *Psychological Bulletin*, 131, 803-855.

- Mojinyinola, J. K. (2002). A Survey of Education & socio Economic factors as determinants of happy livin in oyo state, Nigeria. Unpublished research project University of Ibadan. Nigeria.
- Montier, J. (2004). Global Equity Strategy. Journal of Psychology of Happiness
- Obrien, L.V.H.L. Berry. & A. Hogan. (2012). The Structure of Psychological Life Satisfaction: Insights from Farmers and a General Community Sample in Australia. Reterved from <http://biomedcentral.com,12,976;1471-1475>.
- Oswald, A. J. Proto, E. and Sgroi, D. (2009). Happiness and productivity, IZA Discussion Papers, vol. 4645, pp. 1-51.
- Piko,B.F& C.Hamvai.(2010). Parent, School and Peer Related Correlates of Adolescents' Life Satisfaction. Children and Youth Services Review. 32: 1479-1482
- TimossiTL.S.Pedroso, B. Francisco, A.C.& Pilatti,L.A.(2008). Evaluation of Quality of work life:and adaption from the Walton's QWL Model. XIV International conference on Industrial Engineering and operations Management. Reo de Janeiro, Brazil, 13 to 16 October
- Veenhoven R.(2010). Greater Happiness for a Greater Number Is that Possible and Desirable? J Happiness Stud.11(5):605-629.